میز خبر

یکشنبه سیاه خبرنگاران، سقوط همشهری کین و تجمع پرستاران!

سعید اصغرزاده

می‌خواهم از یکشنبه سیاه خبرنگاران و ربط آن با فرهنگ داوطلبی بنویسم اما حیفم می‌آید برای روشن شدن بحثم از همین ابتدا به مشهورترین شاهکار سینما یعنی «همشهری کین» اشاره نکنم؛ عده‌ای از خبرنگاران به‌دنبال کشف راز آخرین حرفی هستند که چارلز فاستر کین (روزنامه‌نگار میلیونر) درست قبل از مرگ خود بر زبان آورده «غنچه رز...». در ابتدای فیلم به همراه خبرنگاران در صحبت با آشنایان کین با زندگی و شخصیت‌اش آشنا شده و نگرش‌های متفاوت زندگی او را می‌بینیم اما در نهایت کسی جز خود کین از راز «غنچه رز» خبر ندارد و کسی جز خود او نمی‌تواند این راز را به ما بگوید...

همشهری کین داستان زندگی مردی به نام چارلز فاستر کین است. مرد ثروتمندی که صاحب امپراتوری رسانه‌ای عظیمی است و از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار است. آقای کین مرد قدرتمندی است و در پشت پرده سیاست روز حضور دارد. در بعضی صحنه‌ها او را کنار سیاستمداران بزرگی مانند آدولف هیتلر می‌بینیم، او این قدرت را نه به سبب انتخاب دموکراتیک مردم، بلکه با ابزار رسانه‌ای عظیمی که دارد بدست آورده و آنطور که خود او در طی فیلم چندین‌بار اعلام می‌کند افکار عمومی را به‌وسیله روزنامه‌هایش تحت کنترل دارد، به‌طوری که شخصیتی نیست که به گونه‌ای توسط او و روزنامه‌هایش تخریب یا تمجید نشده باشد. اما تراژدی از زمانی آغاز می‌شود که آقای کین به سبب غرور و خودخواهی عظیمی که دارد شکست می‌خورد.... چیزی که این فیلم را به اثری خاص تبدیل می‌کند این است که قهرمان فیلم و ضد قهرمان فیلم هردو یک نفر و شخص آقای کین هستند. این فیلم شاید بیانگر روندی است که یک شخص باهوش و موفق را به یک دیکتاتور و درنهایت به یک شکست خورده تبدیل می‌کند. فاستر کین که خود را حامی طبقه کارگر و مردم فقیر می‌داند آن‌قدر از پیروزی‌هایش مغرور است و آن‌قدر حس خودپرستی دیدگانش را کور کرده که نمی‌تواند اشتباهات خود را درک کند و خود را از منجلابی که خود فراهم کرده برهاند.

راستش این مقدمه را آوردم که بگویم روزنامه‌نگاری امری داوطلبانه و مشارکت‌جویانه است. ما مثل جامعه‌شناسان نیستیم که در دو گروه جامعه‌شناسان آکادمیک و جامعه‌شناسان مردم‌مدار تقسیم بشویم و آکادمیک‌ها در امور مردم دخالت نکنند و مردم‌مدارها چرا! روزنامه‌نگاری بی‌مردم شکل نمی‌گیرد. بی‌برش‌هایی از زندگی، ما وجود نخواهیم داشت. و جالب‌تر آن‌که سرانجام روزنامه‌نگارانی که با هیاهو و ایجاد کشمکش و جوسازی کارشان را پیش می‌برند در همه جای دنیا مانند همشهری کین می‌شوند. ما وظیفه داریم فرهنگ داوطلبی یا معنای دیگر آن یعنی مشارکت‌جویی در امور را به مردم با ارایه هسته‌های اطلاعاتی و کاربردی انتقال دهیم. همان کاری که الان شبکه‌های اجتماعی آن را انجام می‌دهند چون روزنامه‌ها انجام نمی‌دهند. چون روزنامه‌نگاران به جای آغوش مردم یا منزوی در کنج تحریریه‌ها فکر می‌بافند یا در آغوش سیاستمداران و سرمایه‌دارها جان می‌یابند یا...

آنچه در یکشنبه سیاه بر سر روزنامه‌نگاران ترک درآمد نوعی جلوگیری از توسعه فرهنگ مشارکت اجتماعی توسط نهاد روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها بود. ۲۴ روزنامه‌نگار، تهیه‌کننده، سردبیر و دبیر ارشد تلویزیونی و مطبوعاتی ترکیه دستگیر شدند. این دستگیری یک هفته پس از آن صورت گرفت که قانون جدیدی در ترکیه به مورد اجرا گذاشته شد که دست نیروهای امنیتی را برای دستگیری مظنونان به اقدامات امنیتی بدون در دست داشتن حکم قضایی باز می‌گذارد. این قانون چیزی شبه قوانینی مبارزه با تروریسمی است که برخی از کشورهای دیگر نیز برای دستگیری مظنونان به عضویت در گروه‌های بنیادگرا به آن استناد می‌کنند، اما طنز ماجرا این است که در این‌جا از این قانون برای دستگیری روزنامه‌نگاران استفاده می‌شود. نوک پیکان متوجه روزنامه «زمان» یکی از ۳ روزنامه پرتیراژ ترکیه است که شمارگان آن گاه تا ۶۰۰هزار نسخه نیز می‌رسد. ماموران امنیتی پیشتر تلاش کرده بودند با بهانه تخلف مالیاتی، جریمه‌های میلیون دلاری را بر این روزنامه تحمیل کنند. روزنامه‌نگارانی که بازداشت شده‌اند در ماه‌های اخیر درباره مسائلی همچون ساختن کاخ ریاست‌جمهوری اردوغان که اکتبر گذشته افتتاح شد، گزارش‌هایی منتشر کرده بودند. گفته می‌شود کاخ سفید یا «آک سارای» اردوغان با هزینه ۷۰۰میلیون دلار ساخته شده و رسانه‌های منتقد دولت گزارش‌هایی در مورد هزینه‌های ساخت این کاخ منتشر کرده بودند. اما آنچه مهم است این است که روزنامه‌نگاری در دنیا همچنان با تلفات و محدودیت‌هایی که دارد، پیش می‌رود. روزنامه‌نگار داوطلب رساندن اطلاعات به مردم می‌شود و مردم را با اطلاع‌رسانی به موقع داوطلب مشارکت در آگاهی می‌کند. آگاهی از امری که شما را مجاب به دخالت می‌کند. به‌عنوان نمونه اگر شما ندانید که صبح همان روز یکشنبه حدود ۷۰۰ پرستار شاغل در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی ایران، در اعتراض به اختلاف درآمد پرستاران و پزشکان و همچنین تعلل دولت در تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، مقابل ساختمان نهاد ریاست‌جمهوری تجمع کردند، آیا بر من روزنامه‌نگار خرده نمی‌گرفتید که چرا آن خبر را انعکاس ندادم و درصدد مشارکت‌جویی برای حل این مشکل برنیامدم. مشارکت شما در اطلاعات و بازخواست ما و شما از مسئولان! این وظیفه ماست.....

در پاکدشت ورامین اتفاق افتاد

روایت‌های متناقض از تنبیه عجیب دانش آموزان یک مدرسه

الناز محمدی | آن روز درس‌هایشان را نخوانده بودند؛ «حمید» و «مرتضی» و «یاسین» و «محمدرضا». درس نخواندن همان و تنبیه همان. ۴ دانش‌آموز کلاس سوم مدرسه (ح) پاکدشت فکرش را هم نمی‌کردند که قیمت نیاوردن کتاب‌هایشان به مدرسه، چنین عاقبت عجیب و غریبی باشد.

دانش‌آموزان افغان مدرسه (ح) پاکدشت ورامین، هفته گذشته را خوب نگذرانده‌اند؛ مدرسه‌ای که ویژه دانش‌آموزان اتباع این شهر است و حالا اتفاقی در آن افتاده که باعث شده دانش‌آموزان آن و پدر و مادرهایشان این مدرسه را دیگر دوست نداشته باشند؛ اتفاقی که مدیرکل اداره آموزش و پرورش پاکدشت آن را به صورت دیگری تأیید می‌کند و مدیر مدرسه آن را از بیخ و بن، تکذیب.

ماجرا هفته گذشته اتفاق افتاد؛ وقتی آقای ر، معلم کلاس سوم دبستان متوجه شد حمید و مرتضی و یاسین و محمدرضا، تکالیفشان را انجام نداده و کتابهایشان را با خود به کلاس نیاورده‌اند. همین کافی بود تا آقای معلم، مبصر کلاس، امیرحسین را مامور کند تا آن ۴ نفر را به سرویس بهداشتی مدرسه ببرد، بالای سر آنها بایستد و آنها را مجبور کند تا دستشان را داخل کاسه توالت ببرند آن روز فقط این «حمید» بود که دستش را کامل داخل کاسه توالت کرد بعد، وقتی که او حالش بد شده بود و در حال استفراغ کردن بود، مبصر کلاس از ترس این که معلم او را کتک بزند، بقیه را هم مجبور کرد دستشان را در کاسه توالت فرو ببرند؛ حمید و مرتضی و یاسین و محمدرضا وقتی کارشان در دستشویی مدرسه تمام شده بود، در حال بیرون آمدن از آن بودند که ناظم آنها را دید و وقتی ماجرا را شنید، دانش‌آموزها را به دفتر مدرسه برد.

خبر را سکینه بهره‌مندی، مادر یکی از دانش‌آموزان کلاس سوم مدرسه و عضو سابق انجمن اولیا و مربیان این مدرسه به «شهروند» می‌دهد. او می‌گوید پسرش اتفاقی را که برای همکلاسی‌هایش افتاده برای او تعریف کرده و او هم ماجرا را از طریق دانش‌آموزان و پدر و مادرهایشان پیگیری کرده است. او می‌گوید: «هفته گذشته بود که پسرم این ماجرا را برای من تعریف کرد. بعد از آن شنیدم مدرسه پدر و مادرها را خواسته، با آنها جلسه گذاشته و مدیر به آنها گفته که معلم خاطی را اخراج کرده و بهتر است که در این‌باره شکایت نکنند، چرا که اگر به قول او در این‌باره جار و جنجال راه بیندازند، مدرسه تعطیل می‌شود و فرزندانشان از درس و مشق می‌افتند. پدر و مادرهای این ۴ دانش‌آموز هم ترسیدند و به هیچ‌کس گزارشی در این‌باره ندادند. جالب اینجاست که این ۴ بچه از بس ترسیده بودند کلا ماجرا را برای پدر و مادرهایشان تعریف نکرده بودند و این مدیر مدرسه بود که با خانواده‌ها جلسه گذاشته و اتفاق را برای آنها تعریف کرده بود. بعد از آن بود که خانواده بچه‌ها را پیدا کردم و با خود بچه‌ها هم حرف زدم و آنها به من گفتند که چنین اتفاقی افتاده است.»

«حمید» و «مرتضی» و «یاسین» حالا در پاکدشت نیستند؛ آنها به همراه پدر و مادرهایشان به کربلا رفته‌اند تا در مراسم اربعین شرکت کنند و «محمدرضا» به نمایندگی از آنها ماجرا را تعریف می‌کند.

«محمدرضا احمدی»، یکی از چهار دانش‌آموزی است که شب و روزش را در هفته گذشته با تصویر بردن دستش داخل کاسه توالت مدرسه گذرانده. او به «شهروند» درباره آن روز این طور می‌گوید: «ما آن روز دفترمان را به مدرسه نبرده بودیم. آقا به من و ۳ نفر دیگه گفت از این به بعد یا درس می‌خوانید، یا... می‌خورید. ما خیلی گریه کردیم ولی آقا به امیرحسین گفت باید ما را به دستشویی ببرد، به او گفت که اگر ما این کار را نکنیم، او را خطکش می‌زند. بعدش امیرحسین ما را به دستشویی برد و حمید انگشت خودش را که داخل دستشویی کرده بود، خورد، من و بقیه اما انگشتمان را زدیم توی دستشویی بعد از آن یکی از بچه‌ها زودتر از ما از دستشویی فرار کرد و آقای عظیمی، ناظم مدرسه را دید، او هم آمد و ما را به دفتر مدرسه برد. حمید را بردند و به سر و صورتش آب زدند.» «محمدرضا» آن روز ماجرا را برای خانواده‌اش تعریف نکرد، ترسید. فردای آن روز اما وقتی پدر او به خانه برادرش رفته بود از زبان پسر برادرش که همکلاسی «محمدرضا» است، اتفاق را شنید. مادر او در این‌باره به «شهروند» می‌گوید: «قبل از این که بچه‌ها از مدرسه بیرون بیایند، ناظم مدرسه به آنها گفته بود که در این‌باره حرفی نزنند، آنها هم به ما نگفتند.» او می‌گوید که دیروز یک نفر از آموزش و پرورش پاکدشت به این مدرسه رفته و با بچه‌ها در این‌باره صحبت کرده است.

«غلامعلی خانی»، مدیرکل اداره آموزش و پرورش پاکدشت ورامین اما در گفت‌وگو با «شهروند» می‌گوید معلم مدرسه، این ۴ دانش‌آموز را تنبیه کرده اما نه به شکلی که این دانش‌آموزان تعریف کرده‌اند: «معلم این دانش‌آموزان را تنبیه کرده نه به این شکل. من این تنبیهی را که شما می‌فرمایید، تأیید نمی‌کنم. معلم آن روز به این ۴ دانش‌آموز گفته که بروند سالن را تمیز کنند.» او می‌گوید این معلم اخراج نشده و به یکی دیگر از مدارس پاکدشت منتقل شده است. به گفته او پاکدشت، ۲۷۷ واحد آموزشی و ۶۲هزار دانش‌آموز دارد که از این تعداد حدود ۱۰هزار نفر اتباع خارجی‌اند.

اما با این که مدیرکل اداره آموزش و پرورش پاکدشت تنبیه دانش‌آموزان در مدرسه این شهر را تأیید می‌کند، «داوود تاجیک»، مدیر این مدرسه در گفت‌وگو با «شهروند» اتفاق افتادن هر نوع تنبیه در این مدرسه را تکذیب می‌کند. او می‌گوید: «در مدرسه ما هیچ اتفاقی نیفتاده و این موضوع شایعه است.» او سخنان دانش‌آموزان این مدرسه را صحنه‌سازی او و خانواده‌هایشان می‌داند، چرا که به قول او «آنها می‌خواهند با این حرف‌ها مدرسه‌شان با مدارس ایرانی ادغام شود.» تاجیک دلیل جابه‌جایی آقای ر، معلم کلاس سوم را هم ناراحتی قلبی او می‌داند و می‌گوید «بنده خدا را به مدرسه دیگری فرستادیم تا کار سبک‌تری انجام دهد.»

عکس: ایرنا

فرصت دو دهه‌ای برای مهار روند گرمایش زمین

دمای کشور ۱,۵ درجه افزایش یافت

اگر دمای زمین تنها دو درجه سانتی گراد افزایش یابد، تاثیرات جبران‌ناپذیری رخ خواهد داد

شهروند | «در برخی نقاط کشور، دمای زمین بین یک تا ۱,۵ سانتی گراد گرمتر شده و این در حالیست که تحقیقات نشان می‌دهد اگر دمای زمین تنها دو درجه سانتی گراد افزایش یابد، تاثیرات جبران‌ناپذیری رخ خواهد داد.» زمین در حال گرم شدن است و این حقیقتی تلخ و نگران‌کننده شده برای کره پیر. حقیقتی که معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، در مراسم بزرگداشت هفته پژوهش و فناوری و معرفی پژوهشگران برتر محیط زیست، از آن سخن گفت.

او با اشاره به نشست تغییرات آب و هوایی در لیما، گفت: «در بیستمین نشست وزرای محیط‌زیست برای این که چه راهکاری برای تغییرات آب و هوا در پیش بگیرند؛ کار پژوهشی گسترده IPCC مبنای تصمیم‌گیری قرار گرفت. در این پژوهش برای این که افکار عمومی را مجاب کنند یک اتفاق در کره زمین در حال رخ دادن است؛ ابتدا ۳هزار پژوهشگر در حوزه‌های مختلف از جمله هواشناسی، محیط‌زیست، زمین‌شناسی و اقلیم جمع شدند و اطلاعات وضع آب و هوایی از حدود ۲۰ تا ۳۰هزار سال از منابع متفاوت جمع‌آوری شد. از این تجزیه و تحلیل‌ها تئوری‌ها و فرضیه‌هایی خارج شد که فرضیه آن این بود که زمین در حال گرم شدن است و دلیل اصلی آن دستکاری انسان است و اکنون با ۹۵درصد اطمینان می‌توانیم بگوییم زمین در حال گرم شدن است.»

به گفته ابتکار، این نمونه کار پژوهشی است که مبنای تصمیم‌سازی است و براساس این پژوهش ۰/۸۵ سانتی گراد دمای زمین افزایش پیدا کرده است.

افزایش ۰/۸۵ سانتی گرادی دمای زمین و نگرانی‌های جهانی که حتی سیاست‌گذاران و سیاستمداران را هم برای مهار این اتفاق همراه کرده، در حالیست که روند گرمایش زمین در ایران، نگران‌کننده‌تر و تلخ‌تر است. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، ادامه داد: «بررسی‌های ما نشان می‌دهد در ایران دمای زمین یک تا ۱,۵ درجه افزایش پیدا کرده است. اگر این افزایش دما به درجه برسد تغییرات غیرقابل بازگشتی همچون تغییرات شدید آب و هوایی و از دست رفتن زیستگاها رخ خواهد داد. فقط دو دهه برای مهار روند گرمایش زمین فرصت هست.»

وضعیت پارازیت‌ها بررسی می‌شود

در حاشیه این مراسم، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست درباره اقدامات کارگروه پارازیت و بررسی وضع آن گفت: «کارگروه پارازیت پیش از این تشکیل شده و نظرات خود را نیز اعلام کرده است ولی اخیرا پیشنهاد تشکیل این کارگروه را داده‌ایم که به‌زودی با حضور وزرای مربوطه جلسه کارگروه تشکیل می‌شود تا یک جمع‌بندی و یک گزارش از وضع موجود ارایه کنیم.» او همچنین درخصوص آلودگی هوا هم گفت: «منشأ آلودگی هوای کنونی، گردوغبار و ذرات کوچکتر از ۲,۵ میکرون است که به دلیل احتراق ناقص سوخت ایجاد می‌شود، البته تعداد روزهای ناسالم نسبت به سال‌های قبل کاهش پیدا کرده است.»

خبر

مرگ سالانه ۲۲هزار کودک ایرانی زیر ۵ سال

۱۴,۲درصد طلاق‌ها در یک‌سال اول زندگی و ۵۰درصد طلاق‌ها در ۵سال اول زندگی رخ داده است

شهروند | «سالانه ۲۲هزار کودک ایرانی زیر ۵سال که ۱۴هزار مورد آن نوزاد هستند، فوت می‌کند، ۳۰۰ مادر هم در اثر حاملگی و زایمان هم جانشان را از دست می‌دهند. این تنها همه مسأله نیست، در سال ۹۱ حدود ۲۲۰هزار سقط غیرقانونی رخ داده و بیش از ۱۲۰هزار سقط بدون دلایل پزشکی صورت گرفته است. در همین سال هر ساعت ۱۶ طلاق و در سال بعد از آن، ۱۸ طلاق در ساعت، صورت گرفت. آمارها نشان می‌دهد ۸۰درصد افرادی که طلاق می‌گیرند کمتر از ۳۰سال سن دارند. ۱۴,۲درصد طلاق‌ها در یک‌سال اول زندگی و ۵۰درصد طلاق‌ها در ۵سال اول زندگی رخ داده است.» اینها تنها بخشی از نگرانی مسئولان وزارت بهداشت در همایش بررسی سیاست‌های جدید جمعیتی کشور از پایین آمدن نرخ باروری و کاهش جمعیت است. به گزارش فارس، علی‌اکبر سیاری که دیروز در همایش بررسی سیاست‌های جدید جمعیتی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی صحبت می‌کرد، ادامه داد: «در ایران سالانه ۲۲هزار کودک زیر ۵سال که ۱۴هزار مورد آن نوزاد است فوت می‌کند، همچنین ۳۰۰ مادر بر اثر حاملگی و زایمان جانشان را از دست می‌دهند که تمام اینها قابل پیشگیری است.» براساس اعلام این مسئول در وزارت بهداشت، سالانه یک‌میلیون و ۷۰۰هزار حاملگی اتفاق می‌افتد که یک‌میلیون و ۴۰۰هزار مورد آن منجر به تولد فرزند شده و ۴هزار مورد فوت می‌کند. معاون درمان وزارت بهداشت به بالا بودن نرخ باروری در اوایل دهه ۶۰ اشاره کرد و افزود: «در سال‌های ۶۰ تا ۶۴ تعداد فرزندان هر خانوار ۶/۵ فرزند بود، از همان زمان تعداد موالید به تدریج کم شد، به‌طوریکه حالا ۴۶درصد زنان شاغل یا فرزندی ندارند یا تک‌فرزند هستند.»

سیاری تأکید کرد: «سیاست دولت و کشور افزایش نرخ باروری است و هر خانواده باید ۲ تا ۳ فرزند داشته باشند در راستای افزایش نرخ باروری باید ضمن این که این نرخ را از ۱/۸ به ۲/۱ نزدیک کنیم سلامت کودک و مادر را نیز تأمین کنیم.»

معاون بهداشتی وزیر بهداشت با اعلام این که سن ازدواج در سال ۹۰ در پسران ۲۶/۷سال و در دختران حدود ۲۳سال بود، گفت: «در حال حاضر ۱۱ میلیون دختر و پسر در آستانه ازدواج قرار دارند و باید شرایط ازدواج آنها را فراهم کنیم چون تمایل به ازدواج دارند در حالی که روند ازدواج رو به کاهش و سن ازدواج رو به افزایش است و تعداد زیادی هم آماده ازدواج‌اند.» سیاری با تأکید بر این که هم اکنون فاصله اولین تولد فرزند پس از ازدواج ۳/۵سال است، تأکید کرد: «در حال حاضر شرایطی ایجاد شده که فاصله بین اولین فرزند و دومین فرزند ۵/۴سال است که اصلاح آن قابل آموزش است. ما البته به سهم خود آموزش می‌دهیم اما کافی نیست.»

او به آمار سقط جنین در سال ۹۱ اشاره کرد. «در سال ۹۱ حدود ۲۲۰هزار سقط غیرقانونی رخ داده و بیش از ۱۲۰هزار سقط بدون دلایل پزشکی صورت گرفته است.» سیاری ادامه داد: «دو سوم زنان ایرانی پس از ۳۰ سالگی تمایلی به فرزندآوری ندارند و باید خدمات باروری سالم برای گروه‌های متفاوت تداوم یابد. نباید اجازه دهیم نوزادان نارس و کم‌وزن متولد شوند این عوامل به دلیل سوءتغذیه و مصرف سیگار است که از بروز آن باید جلوگیری کرد. البته برخی از زنان به دلیل نارسایی‌های کلیه و قلب با تجویز پزشک نباید باردار شوند بنابراین مادرانی هم هستند که نمی‌توانند باردار شوند و باید امکانات لازم را برای آنها فراهم کرد. تأکید رهبر معظم نیز ارتقای سلامت و افزایش نرخ باروری است.»

۶۵درصد تک‌فرزندها قصد تک‌فرزندی ندارند

محمد اسلامی، مشاور فنی دفتر سلامت جمعیت وزارت بهداشت هم در همین مراسم به بررسی‌هایی اشاره کرد که نشان می‌دهد اگر مسکن، شغل و معیشت مناسب تأمین شود، بیشتر زوجین تمایل به داشتن ۳ فرزند دارند و ۶۵درصد تک‌فرزندها قصد تک‌فرزندی ندارند. او با بیان این که نرخ ۲/۱ خط قرمز نرخ باروری است، گفت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که زوج‌ها تمایل به ۲/۹ فرزند دارند اگر مسکن و معیشت و شغل زوج‌ها تأمین شود، می‌توان از نرخ باروری ۲/۱ عبور کرد.»

پیام شهروند

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

من از بوشهر تماس می‌گیرم. ساختمان بزرگ پارس‌جنوبی به طرز مشکوکی آتش گرفت و ویران شد. راستش نمی‌خواهم پیشداوری کنم ولی به نظرم خیلی مشکوک می‌آید. تمام اطلاعات و اسناد که آن‌جا بود از بین رفت.

شهروند: بله در جریان قرار گرفته‌ایم. به برخی دوستان و همکارانمان که ساکن بوشهرند گفته‌ایم ماجرا را پیگیری و گزارش کنند.

مطالب امروزتان درباره این که ایرانی‌ها بلد نیستند شادی کنند خیلی جالب بود. خواهش می‌کنم به این موضوعات بیشتر بپردازید.

شهروند: به دیده منت.

مشکل کشور ما نه تحریم است نه مذاکرات هسته‌ای و این‌طور حرف‌ها. واقعیت این است که کشور ما سوءمدیریت دارد و گرنه مملکتی که این همه منابع و شرایط ایده‌آل طبیعی و جغرافیایی دارد از ذره‌ذره خاکش می‌شود کسب ثروت کرد.

شهروند: باز هم باید پاسخ دهیم که حرف حساب جواب ندارد!

اگر من جای مقام‌های دولت بودم این‌قدر مطمئن از نتایج مذاکرات هسته‌ای و این که حتما به نتیجه می‌رسیم حرف نمی‌زدم، چون هر بار که این‌قدر محکم حرف زدند مذاکرات به نتیجه نرسیده است.

شهروند: آقایان مقام‌ها! خب راست می‌گوید دیگر فقط این‌قدر مطمئن حرف نزنید مرسی!

گزارش لوازم یدکی‌های تقلبی خیلی جالب بود. واقعا در این مملکت مگر نظارت وجود ندارد. چرا برای مردم ارزش قایل نمی‌شوند و اجازه می‌دهند هر چی کالای بنجل چینی است وارد کشور شود. این قطعات می‌توانند جان مردم را به خطر بیندازد.

شهروند: جان مردم؟! ای آقا!

حالا که دولت تصمیم گرفته در بودجه سال آینده بخش اعظم درآمدهایش را از مالیات به‌دست بیاورد امیدوارم فشارش به مردم عادی و کسبه جزء وارد نشود. مشکل مملکت ما این است که ثروتمندان بزرگ مالیات نمی‌دهند. دولت اول باید راهی برای شناسایی و اهرمی برای گرفتن مالیات از این جماعت نوکیسه پیدا کند وگرنه این سیاست نتیجه خوبی نخواهد داشت.

شهروند: شناسایی این نوکیسه‌ها که فرمودید کار دشواری نیست بنده و جنابعالی هم هر روز در خیابان‌های این شهر تعداد زیادی از آنها را متاسفانه می‌بینیم. مهم عزمی است که باید در این کار از سوی دستگاه‌های مسئول به خرج داده شود که البته یکی از ملزومات آن هم دوری افراد شاغل در این دستگاه‌ها از همین جماعت نوکیسه است!

جدول شماره ۴۵۳

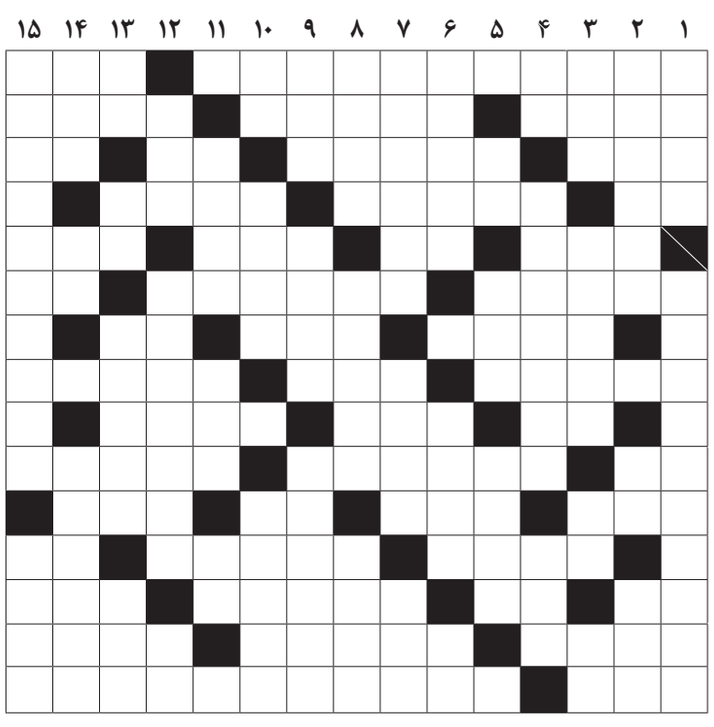

افقی

۱-میزبان المپیک آینده-نوعی حبس
۲-نخجیر-وخیم بودن-اشاره
۳-خوردنی نامأکول-نوعی مار بی‌زهر تخم‌گذار-کوچک-خشکی
۴- تصدیق روسی- قلب چراغ نفتی- آهنگر شاهنامه
۵- نوعی پرنده- بخار دهان- حرکت عده‌ای از مردم از سرزمینی به سرزمین دیگر-ابزار فالبینی
۶- گوشه‌نشینی- بخش ویژه مراقبت از بیماران قلبی در بیمارستان-حرف همراهی عرب
۷-خواب خوش-فاصله بعید-راه میان‌بر
۸- مسیحی-نخستین غزوه پیامبر- خرید و فروش
۹-کلاه الف-خانه-سنگ طلق
۱۰-ورق کاغذ- عملیات هوایی برای جابه‌جایی نیرو و تجهیزات-بارانداز کشتی‌ها
۱۱-روزگار-عهد و پیمان-صدمه-گمراهی
۱۲-جلوه‌های تصویری-شایستگی-فرار حیوان
۱۳-رطوبت-صدمتر مربع-جنین-دارایی
۱۴- جناح لشکر- عاقل دیوانه نمای عهدهارون‌الرشید-سازمان فضایی امریکا
۱۵- کتاب هندوها- نویسنده آمریکایی مؤلف خوشه‌های خشم

عمودی

۱- برومند- مهاجم سابق تیم‌ملی برزیل و بارسلون
۲- در فرهنگ لغت به معنی یکجا جمع کردن آمده‌است-انتها-نام دیگر سوره تبت
۳- تکیه کلام علیا مخدره- پافشاری کردن- راه ناتمام-یک و یک
۴-داخل صدف-ماده‌ای که در یک تغییر شیمیایی به‌وجود می‌آید-واحد شمارش گردو
۵-یار کارتونی مت-پدربزرگ-عسکر
۶-ماه هفتم سال میلادی-خلق و خوی-آش
۷-بالا کشیدن پول-نوعی ساز موسیقی-گرو گذاشتن
۸-ظرف چوبی حمل خاک یا گل-نمک سازگار باغده تیرو یید-بافنده
۹-کشوری که قبلاً سبا نامیده می‌شد-جمع کسر-شاه‌هخامنشی
۱۰-لخت- کتاب دکتر شریعتی- فلزی سفید و مایل به قرمز، سخت و شکننده
۱۱-بهتر از هیچی-کلمه سؤالی-شریک مرد
۱۲-غزال-مفلس-قلم‌خوشنویسی
۱۳-از حروف صدادار-شامل همه-بی‌احترامی کردن-نویسنده آلمانی یوسف جوان
۱۴-پرتابه جنگی-تکرار حرفی-پس از کیخسرو در سلسله کیانی به سلطنت رسید
۱۵-لقب شهر یزد-مالدار
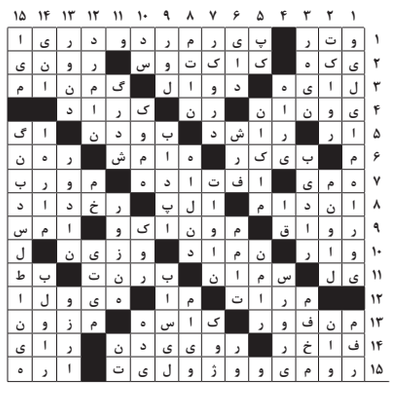
حل جدول شماره ۴۵۲